فصلنامه مددکاری اجتماعی
و
بهزیستی اجتماعی

احترام به تنوع از طریق اقدام اجتماعی مشترک

دکتر آناماریا کمپانینی[۱]*
مترجم: عباسعلی یزدانی

دوره ۲
شماره ۱
سال ۱۴۰۲

بسیار مفتخرم که حضور همه شما را در جشن روز جهانی مددکاری اجتماعی خوش‌آمد بگویم. موضوع سال جاری، "احترام به تنوع از طریق اقدام اجتماعی مشترک[۳]" است و من می‌خواهم این موضوع را در یک چارچوب عمومی در قالب دستور کار جهانی مورد بحث قرار دهم.

همانطور که همه شما می‌دانید، "دستورکار جهانی برای مددکاری اجتماعی و توسعه اجتماعی[۴]" ابتکاری است از سوی انجمن آموزشگاه‌های مددکاری اجتماعی[۵]، شورای بین‌المللی رفاه اجتماعی[۶] و فدراسیون بین‌المللی مددکاران اجتماعی[۷] در سال ۲۰۱۰ برای یک دوره ده ساله طراحی شد و سپس برای ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ با چارچوب همه جانبه‌ای تحت عنوان "همیاری برای ایجاد تحول اجتماعی فراگیر[۸]" تجدید شد. این شعار، محور این برنامه ابتکاری ماست. ما روز جهانی مددکاری اجتماعی ۲۰۲۱ را با موضوع "اوبونونتو- من هستم چون ما هستیم[۹]" جشن گرفتیم و در سال ۲۰۲۲ بر "همیاری برای ساخت دنیای اجتماعی جدید سازگار با محیط زیست ـ همه را در نظر بگیریم[۱۰]" متمرکز شده‌ایم.

---

۱. استاد تمام مددکاری اجتماعی و عضو هیات علمی دانشکده جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی دانشگاه میلانوی ایتالیا و رئیس وقت انجمن بین‌المللی آموزشگاه‌های مددکاری اجتماعی (annamaria@iassw-aiets.org)
* متن سخنرانی ارائه شده در چهارمین همایش بین‌المللی و سی و هفتمین همایش ملی روز مددکار اجتماعی که با محوریت انجمن مددکاران اجتماعی ایران و همکاری نهادهای مختلف علمی و اجرایی ملی و بین‌المللی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۱ به صورت آنلاین برگزار شد.

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

"اوبونتو" یک فلسفه افریقایی است که بر به هم پیوستگی همه مردم و اهمیت جامعه تأکید دارد. {این مفهوم} غالبا به صورت "من هستم چون ما هستیم" ترجمه می‌شود که بیانگر آن است که بهزیستن فردی مان به بهزیستن جمعی‌مان وابسته است.

"همه را در نظر بگیریم" یعنی اطمینان حاصل کنیم که همگان به منابع و فرصت‌هایی که برای پیشرفت نیاز دارند ـ فارغ از زمینه و موقعیت زندگی‌شان ـ دسترسی دارند. این یعنی اذعان به اینکه همه ما جزئی از یک جامعه بزرگتر هستیم و اینکه همه ما برای مراقبت و حمایت از هم مسئولیت داریم.

با تمرکز بر فلسفه "اوبونتو" و ایده "همیاری برای ساخت دنیای اجتماعی سازگار با محیط زیست" و "در نظر گرفتن همگان"، ما اذعان می‌کنیم که همه ما به هم مرتبط هستیم و برای ایجاد آینده‌ای عادلانه و پایدار نقش داریم. یکی از این نقش‌ها، احترام گذاردن و ارج نهادن به تنوع افراد و جوامع است. بنابراین، سومین موضوع، که ما این جلسه را برای گرامی‌داشت آن برگزار کردیم، ارتباطی منطقی با دو موضوع اول دارد. به عنوان یک جامعه {انسانی}، ما راه درازی را طی کرده‌ایم که تفاوت‌ها و جایگاه فراگیری[1] را بپذیریم. با وجود این، هنوز کارهای زیادی مانده که باید انجام شود تا مطمئن شویم که با همگان، فارغ از زمینه زندگی و هویت‌شان، با احترام و کرامت رفتار می‌شود.

مددکاری اجتماعی حرفه‌ای است که می‌کوشد {کیفیت} زندگی افراد، خانواده و جوامع را ارتقاء دهد. مددکاران اجتماعی به افراد کمک می‌کنند تا بر چالش‌ها فائق آیند، با سیستم‌های پیچیده تعامل کنند و دوام بیاورند و به منابع برای رفع نیازهایشان دسترسی داشته باشند. همان‌گونه که در تعریف جهانی مددکاری اجتماعی ـ که در سال ۲۰۱۴ به تصویب مشترک انجمن آموزشگاه‌ها و فدراسیون رسید ـ قید شده است، مددکاری اجتماعی بر زمینه‌ای از اصول عدالت اجتماعی، حقوق انسان‌ها و احترام به تفاوت‌ها بنا شده است. به عنوان مددکاران اجتماعی ما مسئولیت داریم که این ارزش‌ها را ارتقاء دهیم و برای ساخت جامعه‌ای عدالت محورتر تلاش کنیم.

احترام به تنوع فقط به معنای مراعات ادب بین فردی یا سیاسی و اینکه صرفاً بگوییم ما متنوع هستیم نیست بلکه یک جزء اساسی اقدام مددکاری اجتماعی است. ما می‌دانیم که افراد و جوامع متنوع هستند و احترام به گوناگونی یعنی اذعان و ارج نهادن به این تفاوت‌ها و تشریک مساعی برای رسیدگی به آنها.

یکی از اصول مددکاری اجتماعی اذعان به منحصر به فرد بودن تک تک افراد است و این یعنی درک این موضوع که همه افراد با هم فرق دارند و صاحب مجموعه توانمندی‌ها، چالش‌ها، زمینه‌های فرهنگی، باورها و تجارب زندگی منحصر به خود هستند.

احترام به تنوع در مددکاری اجتماعی تنها به معنای آگاه بودن از آن و اقرار به آن

1. Inclusion

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

نیست بلکه مستلزم پرداختن به نابرابری‌ها و بی‌عدالتی هایی که ممکن است در پی این تفاوت‌ها ایجاد شوند و نیز ارتقاء فرهنگ فراگیری و پذیرش هم هست.

در بحث تنوع، مددکاران اجتماعی می‌توانند نقش خطیری در حمایت از افراد در فرایند فراگیری ایفا کنند به این صورت که اطلاعات اساسی درباره حقوقشان، نظام حفاظت اجتماعی و منابع مهم درون جامعه را برای آنها فراهم نمایند و در عین حال، فاصله بین آنها با سایر شهروندان را کم و ادغام آنها درون متن اجتماعی را تسهیل کنند.

از سوی دیگر، نابرابری قدرت که در رابطه بین مددکاران اجتماعی و مراجعین‌شان وجود دارد اگر به درستی از سوی این متخصصین مدیریت نشود می‌تواند به تکرار مکانیسم‌های تبعیض‌آمیز منجر شود.

ما به عنوان مددکاران اجتماعی مسئولیت داریم تا سوگیری‌ها و پیش‌داوری‌هایمان را شناسایی و برای رسیدگی به آنها اقدام کنیم. ما باید آگاه باشیم که چگونه زمینه‌های شخصی و تجاربمان، ادراک و تعامل ما با دیگران را شکل می دهند. با یادگیری و خودبازتابی[1] مستمر می‌توانیم آثار ظلم سیستماتیک را بهتر درک و برای طراحی اقدامات فراگیرتر و عادلانه‌تر کار کنیم.

در حقیقت، مددکاران اجتماعی، بسته به {اندازه‌ی} خودآگاهی‌شان از افکار کلیشه‌ای و سوگیری‌های شناختی‌شان درباره تنوع، هم می‌توانند به فرایند فراگیری کمک کنند و هم مانعی برای آن باشند.

دومینلی[2] با تمرکز بر خطر اقدامات سرکوبگرانه از سوی نهادهای عمومی و مددکاران اجتماعی، درباره رویکرد مددکاری اجتماعی ضدظلم نظریه‌پردازی کرده است. {به عقیده او} ارزش‌ها، فرهنگ و روش زندگی مراجعین بدون توجه به تعلق آنها به گروه غالب، باید درک، پذیرفته و محترم شمرده شود. ایجاد یک رابطه بر اساس اعتماد می تواند از آنها در تشخص دادن به هویت‌شان و ارج نهادن به نقش آنها در جامعه حمایت نماید.

اما تنوع چیست و چه کسانی را باید متنوع نامید؟

به صورت سنتی، ساخت اجتماعی بر پایه ایده‌ی همگنی بنا نهاده شده است. یعنی گروه غالب {و صاحب قدرت}، قواعد اجتماعی جامعه را بنیان می‌نهد و میل دارد تا به اقلیت‌ها برچسب بزند و آنها را بر اساس ویژگی‌های اصلی‌شان گروه‌بندی کند. {بر این اساس،} "متفاوت بودن" مسیر تبعیض را برای گروه غالب {و صاحب قدرت} هموار می‌کند.

در واقع، استفاده سنتی از برچسب‌ها برای دسته‌بندی افراد، منجر به انسان‌زدایی {و تحقیر} "متفاوت‌ها" و تقلیل آنها به چیزهایی می‌شد که جوامع (و معمولاً گروه‌های

1. self-reflecting
2. Lena Dominelli

دوره ۲
شماره ۱
سال ۱۴۰۲

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

صاحب قدرت) به آنها نسبت می‌دادند به گونه‌ای که این افراد همه چیزهای دیگری که به آنها فردیت می‌داد را هم از دست می‌دادند. به علاوه، زندگی در شرایط محرومیت سیستماتیک می‌تواند دسترسی به فرصت‌هایی که در جامعه وجود دارد را محدود کند و یک مانع جدی برای شکوفایی همه ظرفیت‌های فرد باشد. ناتوانی، مشکلات سلامت روان، مصرف مواد مخدر و روانگردان}، سابقه زندان، بی‌خانمانی، کولی بودن[1] برخی از برچسب‌هایی بوده و هنوز هم هست که به افراد متفاوت زده می‌شود. باوجود این، فوج مهاجرین که فرهنگ، ارزش‌ها و عادات خود را به کشور مقصد می‌آورند، در فرایند متنوع‌سازی درون جوامع تأثیرگذار بوده است.

ما در این زمینه از "ابرتنوع[2]" صحبت می‌کنیم که پدیده‌ای است که طی آن جوامع، یک سطح بی‌سابقه از تنوع را از حیث قومی، زبانی، فرهنگی و سایر طبقه‌بندی‌های اجتماعی تجربه می‌کنند. ابرتنوع با میزان بالای ناهمگنی بین جمعیت‌های مهاجرین از حیث کشور مبدأ، زبانی که به آن سخن می‌گویند و زمینه‌های اجتماعی ـ اقتصادی‌شان تعریف می‌شود. این عامل‌ها همچنین با دیگر انواع تنوع مانند تفاوت در وضعیت مدارک قانونی‌شان، مذهب و هویت جنسیتی‌شان هم آیند هستند.

ابرتنوع، هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی برای جوامع به همراه دارد. از یک سوی، می‌تواند به تبادل فرهنگی پربار، توسعه ایده‌ها و رویکردهای جدید و افزایش رشد اقتصادی به واسطه توانایی‌ها و مهارت‌های متنوع منجر شود. از سوی دیگر، می‌تواند به تنش‌های اجتماعی، تبعیض و انزوا و نیز چالش‌هایی در تهیه خدمات و حمایت‌های مناسب برای چنین جمعیت متنوعی بینجامد.

در دهه‌های اخیر، در کنار پدیده مهاجرت، جوامع با جنبش‌های قدرتمندی برای بازشناسی حقوق اقلیت‌ها مواجه بوده‌اند. چنبش‌های می تو[3] و جان سیاهان مهم است[4] دو نمونه است که نشان می‌دهد زنان و افراد سیاه‌پوست چطور صدایشان را برای مطالبه احترام و فراگیری بلند کردند. یک جنبش مهم دیگر، اقلیت‌های جنسیتی هستند که برای شناخته شدن در اجتماع می‌جنگند.

برای تحلیل این پدیده‌ها و ایجاد یک پاسخ بهتر، خوب است که از مفهوم درهم تنیدگی[5] به عنوان یک چارچوب تئوریک و مفهومی که بیان می‌کند چطور هویت‌های اجتماعی متفاوت مانند نژاد، جنیست، هویت جنسی و امثال آن در هم تنیده‌اند و با هم در تعامل‌اند تا تجارب افراد از قدرت، رانت‌ها و ظلم را شکل دهند.

ایده زیربنایی درهم تنیدگی این است که تجربیات یک فرد از تبعیض و در حاشیه بودن را تنها با نگاه به یک جنبه از هویت او مانند جنسیت یا نژاد نمی‌توان درک کرد بلکه باید از دریچه درهم تنیدگی مورد بررسی قرار بگیرند که طی آن راه‌هایی که

1. being a roma people
2. superdiversity
3. #Me-Too
4. Black Lives Matters
5. intersectionality

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

شکل‌های مختلف ظلم در آن واحد و در ارتباط با هم رخ می‌دهند در کنار هم بررسی شوند. این رویکرد می‌تواند رویکردهای سیاسی سنتی که غالباً یک عامل را بر عامل‌های دیگر ترجیح می‌دهد را به چالش بکشد و از رویکردهای ناظر بر فراگیری و درهم تنیدگی به عدالت اجتماعی حمایت کند.

فرایند فراگیر و غیرتبعیض آمیز نه تنها از طرق مداخلات مبتنی بر فرد و خانواده بلکه در کار با جوامع نیز قابل دستیابی است و یک نقش سیاسی و عمومی نیز دارد.

یکی از راه‌های ارتقاء تنوع و فراگیری، قطعاً اقدام اجتماعی مشترک به عنوان یک همکاری بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها برای بررسی مسائل اجتماعی و ایجاد تغییرات مثبت است. با کار مشترک، می‌توانیم منابع، تجربیات و نگرش‌ها را برای حل موضوعات پیچیده اثرگذار بر جوامع در کنار هم به کار بگیریم. همچنین، اقدام اجتماعی مشترک به ما اجازه می‌دهد که از هم یاد بگیریم و یک درک عمیق‌تر از تجربیات و نگرش‌های متفاوت به دست آوریم. ما به عنوان مددکاران اجتماعی می‌توانیم زمینه این مشارکت‌ها را با ایجاد روابط، توسعه شبکه‌ها، تسهیل گفتگو و ایجاد فضاهایی برای شنیدن صداهای متنوع فراهم کنیم.

اقدام اجتماعی مشترک می‌تواند شکل‌های مختلف داشته باشد مثلاً حمایت از تغییر سیاست‌هایی که عدالت اجتماعی و احترام به تفاوت‌ها را در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی ارتقا می‌دهد. مشارکت جامعه مدنی و دولت ها برای حمایت از مردم و همکاری با سازمان‌های محلی برای پرداختن به موضوعاتی که باعث تضییع حقوق و به حاشیه راندن بخشی از جمعیت می‌شوند برای توسعه اقدام مشترک، اساسی است.

جایگاه ویژه مددکاران اجتماعی در جوامع به آنها اجازه می‌دهد که تنش‌ها و تعارضات با گروه‌های "متفاوت" را بشناسند و در عین حال، بفهمند فرایندهای محرومیت‌ساز چگونه فعال می‌شوند. با ایجاد ائتلافی درون جامعه مدنی می‌توان موارد نقض حقوق اساسی، نابرابری‌ها و تبعیض را ثبت و به آنها اعتراض کرد؛ از حقوق افراد و اقلیت‌ها دفاع کرد و به جوامع کمک کرد وجوه متنوع خود را بروز دهند؛ شواهدی برای سیاستگذاران فراهم آورد که بتوانند بر سیاست‌های اجتماعی اثر بگذارند و تغییرات لازم را در سیاست ایجاد کنند.

در اقدام اجتماعی مشترک به هر شکلی که اجرا شود، این مهم است که همه ذی‌نفعان در آن سهیم باشند و صدایشان شنیده شود. یعنی به صورت فعالانه نگرش‌های متنوع را جستجو کنیم و برای ایجاد یک محیط فراگیر کار کنیم که در آن همه احساس کنند که ارجمند هستند و شنیده می شوند.

یک نمونه از این اقدام مشترک در سطح بین‌المللی عبارت بود از اجلاس جهانی مردم محور[1] که در ژوئن ۲۰۲۲ با مشارکت بسیاری از شرکا انجام شد: نمایندگان

1. the Global people summit

دوره ۲
شماره ۱
سال ۱۴۰۲

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

جوامع، اتحادیه‌های سیاسی، جنبش‌های حقوق مدنی، رهبران عدالت اقلیمی[1]. از درون این نشست، "منشور مردمی برای دنیای اجتماعی سازگار با محیط زیست[2]" بیرون آمد که در واقع یک دعوت و فراخوان برای اقدام برای رهبران جهان در سطح مجمع عمومی و مجامع سطح بالای سیاسی سازمان ملل بود.

من امیدوارم که این روز جهانی مددکاری اجتماعی، فرصتی باشد برای بیان و ایجاد ابتکاراتی برای تحقق اقدام مشترک که بتواند تنوع و فراگیری را افزایش دهد.

1. Climate justice
2. the People Charter for an Eco-Social World

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]